

نظام وکالتی در عصر کدام امام تاسیس شد

در پرتو نظام نیابتی امام حسن عسکری (ع)، مردم آمادگی عصر امامت ولیعصر (ع) را پیدا کردند و تا کنون این نظام وکالتی و نیابتی ادامه یافته است و می‌توانیم آثار و برکات آن نظام را مشاهده و به خوبی احساس کنیم.

گفتگو با آیه‌الله احمدی فقیه یزدی

در پرتو نظام نیابتی امام حسن عسکری (ع)، مردم آمادگی عصر امامت ولیعصر (ع) را پیدا کردند و تا کنون این نظام وکالتی و نیابتی ادامه یافته است و می‌توانیم آثار و برکات آن نظام را مشاهده و به خوبی احساس کنیم.

به مناسبت هشتم ربیع الثانی سالروز میلاد امام حسن عسکری (ع) آیت الله میرزا محمد حسین احمدی فقیه یزدی در گفتگویی، نیم نگاهی به نظام وکالت در عصر امام حسن عسکری (ع) و روش حضرت در هدایت جامعه مسلمین در دوران حصر آن حضرت داشته است.

عصر امام حسن عسکری (ع) چه خصوصیت خاصی داشت که موجب تاسیس نظام وکالت شد؟

از ویژگی‌های عصر امام حسن عسکری (ع)، تقارن حیات امام با عصر عباسیان است که بیشترین فشارها و زخم زبان‌ها را نسبت به حضرت روا می‌داشتند، عباسیان با تجربه‌ای که از حکومت‌های گذشته و مقایسه‌ای که بین حکومت بنی امیه با آن ظلم‌ها و جنایاتی که در حق اهل بیت (ع) کرده بودند و در نهایت منجر به انقراض بنی امیه شد و نیز با وضعیتی که خودشان می‌خواستند حکومت کنند، این دوران را تبدیل به دوران پیچیده سیاسی نموده است.

و با همه قلدری‌ها و سختی رفتاری که بنی عباس با اهل بیت (ع) داشتند، اما می‌خواستند به گونه‌ای رفتار کنند تا محبوبیتی هم در بین مردم داشته باشند، در حالی که تلاش می‌کردند به کلی اهل بیت (ع) را ساقط کنند، اما مهم‌ترین همت ایشان قطع رابطه بین امام و مردم بود، این انقطاع و جدا کردن مردم از اهل بیت مهم‌ترین فشاری است که عباسیان در صدد آن بودند البته در عین حال می‌خواستند ظاهر را به گونه‌ای حفظ کنند که مردم تصور کنند ایشان طرفدار اسلام و دین هستند لذا نوع سیاست ایشان و برخورد ایشان با امور مختلف دینی، تفاوت بسیار زیادی با حکومت‌های قبلی دارد.

این فشار سیاسی و جلو گیری از ارتباط مردم با امام (ع) به گونه‌ای شد که گاهی شخصی برای یک سوال و حدیث، مورد تعقیب قرار می‌گرفت و امام حسن عسکری (ع) در عصری قرار گرفته بودند که مکرر زندانی می‌شدند و بعد از حصرهای متعددی که در حق ایشان روا می‌داشتند در نهایت به محاصره کامل در آمدند و همواره در مراقبت شدید بودند، البته بنی عباس شایع می‌کرد که هدف ما حفظ جان امام می‌باشد، لذا ایشان را در بین لشکریان و سپاه حفظ می‌کنیم.

اینجاست که مردم، دور بودن از امام را تجربه می‌کنند و در واقع قطع ارتباط امام و مردم در این عصر محقق می‌شود منتی حضرت به وسیله وکلا و با واسطه مسائل دینی وظیفه مردم را به ایشان منتقل می‌کردند و این مسئله که مطالب امام توسط وکلا به مردم منتقل شود و مردم وظیفه خود را تشخیص دهند تجربه مهمی بود و این برنامه، برنامه ظریفی بود و حضرت توانستند مردم را برای دوران امامت حضرت ولیعصر (ع) آن هم با دو غیبت صغری و کبری که در پیش بود آماده کنند. از اینجا مسئله نیابت مطرح می‌شود هر چند ما با لفظ وکالت از آن یاد می‌کنیم.

تفاوت نیابت با وکالت چیست؟

در عرف مردم نوعا وکالت را در امور مالی به کار می‌رود اما "نیابت" عنوانی بالاتر از "وکالت" دارد و در امور فرهنگی و ارشاد مردم، "نیابت" مطرح می‌شود تا زمان امام حسن عسکری (ع) که بیشترین ارتباط را مردم با نواب و وکلای آن حضرت داشتند، سؤالاتشان به گونه‌ای بوده است که ضمن اینکه سؤالات شرعی خود را مطرح می‌کردند و جواب می‌گرفتند اگر در تنگناهای اجتماعی و رفتاری‌های مختلفی که برای ایشان پیش می‌آمد قرار می‌گرفتند از طریق این وکلا کسب تکلف می‌کردند، امام حسن عسکری (ع) به "نظام وکالت" توسعه دادند و این نظام را به "نظام نیابت" نزدیکتر نمودند.

همانطوری که گفتید وکلای حضرت علاوه بر وکالت، کار نیابتی نیز انجام می‌دادند، این نائبان چه خصوصیات داشتند؟

نائبان حضرت افراد بسیار فاضل و عالمی بودند که به نوعی تحلیل در بیان مسائل فقهی و احکام داشتند و ایشان در پرتو ارتباطی که با امام (ع) داشتند، کلید فهم مسائل دینی و رموز مسائل معرفتی را بدست آورده بودند و این کلیدها در اختیار ایشان قرار گرفته بود و این امر تجربه بزرگی بود که در عصر امام حسن عسکری (ع) برای مردم حاصل شد و مردم فهمیدند در زمانی که نمی‌توان مستقیماً از امام استفاده کنند چگونه از طریق نظام نیابتی و وکلا، مسائل دینی خود را حل نمایند.

این نظام چه برکاتی داشت؟ و امام نائبان خود را چگونه راهنمایی و ارشاد می‌کردند؟

در پرتو نظام نیابتی امام حسن عسکری (ع)، مردم آمادگی عصر امامت ولیعصر (ع) را پیدا کردند و تا کنون این نظام وکالتی و نیابتی ادامه یافته است و می‌توانیم آثار و برکات آن نظام را مشاهده و به خوبی احساس کنیم، کسانی که لیاقت نیابت امام را داشته‌اند همانطور که در عصر امام معصوم به خوبی راهنمایی می‌شدند در زمان غیب هم راهنمایی می‌شوند و در واقع امام حسن عسکری (ع) با برنامه‌ای حساب شده و ظریف، نظام وکالت و نیابت را به عصر امام زمان (ع) منتقل نمودند.

از باب نمونه احمد بن اسحاق در تشریفی که به محضر امام حسن عسکری (ع) داشتند می‌گوید: «؛ خدمت حضرت امام حسن عسکری (ع) رسیدم و در نظر داشتم راجع به جانشین آن حضرت از وی سؤالاتی کنم، قبل از اینکه سؤال خود را مطرح سازم، فرمود: ای احمد، خداوند هرگز زمین را خالی از حجت نخواهد گذاشت، و از آغاز آفرینش آدم تا روز قیامت این روش جاری خواهد بود، پروردگار به وسیله آن حجت، بلاها را از زمین دفع می‌کند و برکات خود را بر اهل زمین نازل می‌سازد. چون امام می‌دیدند او لیاقت بار عظیم وکالت و نیابت را دارد و این بار را به دوش می‌کشد، لذا امام بعد از خود را به ایشان نشان دادند.

راوی گوید: عرض کردم: یا ابن رسول الله خلیفه و امام بعد از شما کیست؟ امام پس از این سؤال من از جای خود با سرعت حرکت کرد و داخل اطاقی شد و بار دیگر در حالی که کودکی را در روی شانه خود گذاشته بود وارد گردید، صورت این کودک مانند ماه تمام می‌درخشید و حدود سه سال از عمرش می‌گذشت، سپس فرمود: «؛ ای احمد؛ اگر نه این بود که نزد خداوند آبرو و شرافت داری و در نزد حجت‌های پروردگار دارای مقام و منزلت هستی، هرگز این کودک را به تو نشان نمی‌دادم، این کودک با حضرت رسول صلی الله علیه و آله همنام و کنیه است، و او زمین را پس از ظلم و جور از عدل و داد پر می‌کند. ای احمد مثل این کودک در میان این امت، مانند خضر و ذی القرنین است، به پروردگار سوگند این غیبتی خواهد داشت که جز گروهی از معتقدین به امامت ائمه (ع)، بقیه هلاک خواهند گردید»

احمد گوید: عرض کردم: ای مولای من، او علامتی دارد که قلبم اطمینان پیدا کند، در این هنگام کودک شروع به سخن گفتن نمود و با زبان عربی فصیحی گفت: «؛ أنا بقية الله في أرضه و المنتقم من أعدائه فلا تطلب أثرا بعد عين يا احمد بن اسحاق». احمد گوید: من پس از این جریان، بسیار خوشحال از منزل امام (ع) بیرون آمدم «؛ کمال الدین و تمام النعمة؛ ج 2؛ ص 384»

از افتخارات احمد بن اسحاق است که چندین امام را از نزدیک مشاهده و درک کرده است و شخصیت بزرگواری است و اصل و اساس مسجد امام حسن عسکری را نیز همین احمد بن اسحاق ساخته است، معروف است که ایشان در روبروی این مسجد دفن شده‌اند و حال آنکه او در مسیر راهی که به سوی کربلا و مکه می‌رفته است در نزدیک کرمانشاه از دنیا می‌رود و جایگاه دفن او در آنجا مورد توجه مردم است و این مسجد به دستور و کالت از حضرت ساخته شده است و حتی مشهور است که امام حسن عسکری (ع) امر کرده‌اند و این مسجد را ساخته‌اند؛ کمک‌های مالی که مردم برای پیشرفت اسلام و اهداف آن باید به امام می‌دادند از طریق وکلای آن حضرت انجام می‌گرفته است. از جمله این وکلاء "احمد بن اسحاق" است که به خوبی این نقش را عهد دار شد و روایات فراوانی از طریق او نقل شده است که مسند قابل توجهی جمع آوری شده است و در همایشی که در بزرگداشت احمد بن اسحاق برگزار شد خدماتی که این وکیل بزرگ امام عسکری (ع) ارائه نموده بودند بررسی شد، عمده روایانی که در آن عصر در قم حضور داشتند به وسیله ایشان تغذیه علمی می‌شدند.

آیا در فقه کتاب مستقلی در باب نیابت نوشته شده است؟

متأسفانه در فقه در باب نیابت کتاب مستقلی نوشته نشده است، ولی در لایبای مسائل فقها و مباحث فقهی، بحث نیابت به فراوانی بیان شده است، مثلاً در بحث حج و دیگر جاها بحث نیابت مطرح شده است اما کتاب مستقلی ندیده‌ام، اخیراً یکی از دوستان که پایان نامه‌ای را می‌خواستند بنویسند، من بحث نیابت را پیشنهاد کردم تا به بررسی احکام "نیابت" و تفاوت آن با "وکالت" بپردازند و انشا الله دیگران این برنامه را تکمیل کنند و این مسئله را در محضر چند نفر از بزرگان مراجع، مطرح کردم که جای این بحث در بین مباحث فقهی خالی است و ایشان هم تصدیق کردند و باید به گونه‌ای حق این مطلب ادا شود.

از گفتار حضرت عالی اینگونه استنباط می‌شود که بهتر است بجای "نظام وکالتی" از تعبیر "نظام ولایت نیابتی" استفاده کنیم؟

بله ؛ در واقع ما می‌خواهیم بیان شما را اینگونه تحویل و تبدیل کنیم "نظام ولایت وکالتی" را به "نظام ولایت نیابتی" منتقل کنیم و هر دو به امام متصل می‌شود، چون در "نظام وکالتی" هم اگر "ولایت امام" در آن نباشد آن "وکالت" معنا پیدا نمی‌کند، در "وکالت" هر چه نظر "موکل" است باید وکیل نظر او را عملی کند و در نظام وکالتی چیزی نمی‌تواند اضافه کند، اما در "نظام نیابت" یک نوع اختیاراتی جدا از جنبه وکالتی به او داده می‌شود و برخی از مسائل را او نیابتاً انجام می‌دهد و "ولایت نیابتی" امر بسیار مهمی است که در زمان غیبت صغری و کبری این قضیه عملاً اجرا شده است، اما اصل این جریان مربوط به عصر امام حسن عسکری می‌باشد، منتهی در زمان حضرت عسکری به گونه‌ای بود که وکلا و نائبان، امید برحضور آن حضرت داشتند و می‌توانستند به حضور برسند و امضای آن حضرت را می‌گرفتند، اما در عصر غیبت صغری و کبری این که به خدمت آن حضرت برسند، کمتر اتفاق می‌افتاده و در اینجا "نیابت" بیشتر از "وکالت" خودنمایی می‌کند و نوع عملکرد این افراد به عنوان نائب بوده است. حتی "نواب خاص" ضمن اینکه نسبت به آن مقداری که وکالت داشتند، کارهای وکالتی انجام می‌دادند، اما بخشی از عملکرد ایشان به صورت نیابتی بوده است؛ در مواردی که نواب در غیبت صغری به محضر امام می‌رسیده‌اند حکم مسئله واضح بوده است، اما در غیبت کبری که امید حضور حضرت کمتر است گرچه امکان پذیر است، مسئله نیابت بیشتر خود نمایی می‌کند.

آیا ارشادات امام (ع) در زمان غیبت هم اتفاق می‌افتاد؟

البته در زمان غیبت رسیدن به محضر امام معصوم (ع) مکرر واقع شده است که خدمت حضرت رسیده‌اند و امضای خاص را داشته‌اند، اما اینگونه نبوده است که در هر وقت و زمانی خدمت امام برسند، و این اذن حضور هم بر اساس مصلحتی است که خود امام (ع) تشخیص می‌داده‌اند و برای اینکه وظائف نیابتی را نائبان تشخیص دهند اجازه حضور می‌دادند و در زمان غیبت کبری هم بسیاری به حضور امام رسیدند و الان هم می‌دانیم بسیاری از امور منسوب به آن حضرت است، همانطوری که مرجع تقلید عظیم الشان، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران تقریباً در لحظه پیروزی در بیست و دوم و بهمن که حکومت نظامی بود و به فرمان ایشان این حکومت نظامی شکسته شد، از بیان امام اینگونه فهمیدند که دستور شکست حکومت نظامی را امام از حضرت ولیعصر (ع) گرفته بودند و در توسلی که ایشان به حضرت حجت پیدا کرده بودند فرمان را از حضرت ولیعصر گرفته بودند و اصلاً پیروزی نظام از جانب امام عصر بوده است و این انقلاب منسوب به آن حضرت است و اگر دعای آن حضرت نبود به اینجا نمی‌رسد.

لذا مسئله نیابت درجه بالاتری از نظام وکالتی که در ذهن‌ها است دارا می‌باشد و اگر از نظام وکالت عبور کنیم و بالاتر برویم، به نظام نیابت می‌رسیم، چنانچه امام حسن عسکری (ع) این نیابت را به احمد بن اسحاق واگذار کردند و تمرین دادند که چگونه باید در مسیر تبلیغ اسلام حرکت کنند و وظیفه نائبان چگونه باید باشد و الحمد لله این جهت در روایات شبیه و خصوصاً در تاریخ به خوبی منتقل شده است، تا جایی که این حدیث در ذهن همگان جا افتاده است که $171\#&$ ؛ فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الثَّقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِذِينِهِ مُخَالِفًا عَلَيَّ هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقْلِدُوهُ؛ وسائل الشیعة؛ ج 27؛ ص 131 «امام عسکری $171\#&$ ؛ ع» فرمودند: ... هر کس از فقیهان که نفس خود را پاس دارد، و دین خود را حفظ کند، و به مخالفت با هواهای خویش برخیزد، و فرمان خدا را اطاعت کند، بر عوام است که از او تقلید کنند. و چنین کسی نخواهد بود، مگر بعضی از فقیهان شیعه نه همه آنان.

کسی که معارف الهی را خوب درک کند و اهل تقوی باشد و بر اساس وظیفه عمل کند و تسلیم اوامر الهی باشد مردم باید از او تقلید کنند و تقلید در لغت، گردنبد خاصی است که زن‌ها و دختران برای زیبایی به گردن می‌اندازند و اگر نیابت و علقه‌ای که از طریق آن مردم را با امام مرتبط می‌کند باشد، موجب زیبایی و پیشرفت ما می‌شود لذا نظام وکالتی به تدریج به نیابت بر می‌گردد و نیابت اعم از وکالت است، یعنی خصوصیات وکالتی را دارد مع زیاده [و بیشتر از آن] و در فقه باید نظام نیابتی به خوبی تبیین شود. این مجموعه حرکتی است که از زمان حضرت عسکری شروع می‌شود تا به عصر کنونی ادامه می‌یابد.

آیا حضرت عسکری (ع) نائبان متعدد داشتند یا نائبان حضرت علی التناوب بوده‌اند؟

اینکه آیا حضرت وکلای متعددی در عرض هم داشته‌اند یا اینکه این وکلا به ترتیب و علی التناوب بوده‌اند، ظاهر ادله دلالت بر تناوبی بودن آن دارد، اما بعضی معتقدند امام وکلای در عرض هم داشته‌اند؛ ظاهراً حضور وکلا و نائبان هم عرض در غیبت صغری و کبری واقع شده است؛ اما در عصر امام عسکری وکلا علی التناوب بوده‌اند؛ مثلاً احمد بن اسحاق یک نفر است اما بقیه وکلا از طریق او منسوب می‌شدند و آن اختیار را داشته است که ضمن اینکه کارهایی را انجام می‌دهد وکلای هم بگیرد و این مسئله در "نیابت" هم ممکن است و می‌شود نواب وکلای داشته باشند. حضرت وکیل را معین می‌کردند و طرق دیگر هم به او متصل می‌شدند.

در نیابت هم باید بحث شود که آیا می‌توان نائبان متعدد داشته باشیم یا اینکه باید یک نائب خاص داشته باشیم البته این بحث در نائبان خاص مشخص است، اما در نیابت عام باید این مسئله بررسی شود که منظور از چند نائب در امور مختلف است یا در یک امر یا در همه امور و این در بحث نیابت باید مطرح شود و بحث قابل توجهی است و عزیزانی که قابلیت ورود به این مباحث را دارند، باید وارد شوند و بنده هم نظر خاصی دارم.

با توجه به مطالب حضرت عالي آیا تعبير نيابت فقيه صحيح است يا ولايت فقيه؟

سوال مهمي است و جواب آن هم به آساني داده نمي شود ، امام راحل در مباحث خود مفصل اين مسئله را بحث کرده اند نظر امام با نظر ديگر فقها در مباحث مرجع جامع شرايط و حاکم شرعي که مجتهد مطلق باشد علي التفصيل آمده است و براي پاسخ به اين سؤال نيازمند به بررسي نظر امام و ديگر فقهاست و فرصت ديگري را مي طلبد.

منبع: مرکز خبر حوزه